


## An Analysis of Ibn Taymiyyah's View on Denying the Verse of Vilayat and Criticizing It Based on Sunni Sources

Mohammad Reza Baghbanzada Amsheh <sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies and Theology,  
University of Guilan, Guilan, Iran.  
*baghbanzadeh@guilan.ac.ir*

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article    <b>Received:</b> 2025.02.02 <b>Accepted:</b> 2025.05.10	<p>This research analyzes Ibn Taymiyyah's view on denying the verse of Wilayat and criticizing it based on Sunni sources. The research issue is to examine Ibn Taymiyyah's interpretation of this verse as the general guardianship of the believers and rejecting its connection with the guardianship of Ali ibn Abi Talib, which uses a descriptive-analytical method and cites Sunni narrative, historical, and interpretive sources to examine Ibn Taymiyyah's interpretation and evaluate his claims. The research findings show that Ibn Taymiyyah, relying on the superficiality of the Quran and ignoring historical evidence and continuous narrations, rejects the specific interpretation of the verse. This approach contradicts the consensus of Sunni scholars who consider the verse to be about Ali. Also, Ibn Taymiyyah's claim of the related narrations as being forged is inconsistent with the hadiths stated in reliable Sunni sources. The results of the research indicate that Ibn Taymiyyah's view was influenced by the political-jurisprudential conditions of his time and is not consistent with the Sunni traditions.</p>
<b>Keywords</b>	Imam Ali, Verse of Guardianship, Charity, Ibn Taymiyyah, Sunni Sources, Formalism.
<b>Cite this article:</b>	Baghbanzada Amsheh, Mohammad Reza (2025). An Analysis of Ibn Taymiyyah's View on Denying the Verse of Vilayat and Criticizing It Based on Sunni Sources. <i>Andishe-E-Novin-E-Dini</i> . 21 (1). 111-128. DOI: 10.22034/21.80.6
<b>DOI:</b>	<a href="https://doi.org/10.22034/21.80.6">https://doi.org/10.22034/21.80.6</a>
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## تحليل موقف ابن تيمية من إنكار آية الولاية ونقده علي ضوء مصادر أهل السنة

محمدرضا باغبانزاده امشه<sup>١</sup>

١. أستاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية والإلهيات، جامعة گیلان، گیلان، إيران.

baghbanzadeh@guilan.ac.ir

ملخص البحث	معلومات المادة
يتناول هذا البحث تحليل موقف ابن تيمية من إنكار آية الولاية، ونقده في ضوء مصادر أهل السنة. وتكمن مسألة البحث في دراسة تفسير ابن تيمية لهذه الآية باعتبارها دالة على الولاية العامة للمؤمنين، ورفضه لارتباطها بولاية علي بن أبي طالب (عليه السلام). وقد اعتمدت الدراسة على المنهج الوصفي - التحليلي، واستندت إلى المصادر الروائية، والتاريخية، والتفسيرية لأهل السنة في تحليل تفسير ابن تيمية وتقييم دعاواه. تُظهر نتائج البحث أن ابن تيمية - من خلال اعتماده على ظاهرية القرآن وتجاهله للقرائن التاريخية والروايات المتواترة - قد أنكر التفسير الخاص للآية، وهذا المنهج يتعارض مع إجماع علماء أهل السنة الذين يرون أن الآية نزلت في شأن الإمام علي (عليه السلام). كما أن دعوى ابن تيمية بشأن وضع (اختلاق) الروايات المتعلقة بهذه الآية، تتنافى مع الأحاديث الواردة في المصادر المعتبرة لأهل السنة. وتشير نتائج البحث إلى أن موقف ابن تيمية تأثر بالظروف السياسية والفقهية في عصره، ولا ينسجم مع النصوص الروائية السنية.	نوع المقال: بحث  تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٨/٠٣ تاريخ القبول: ١٤٤٦/١١/١٢
الإمام علي (عليه السلام)، آية الولاية، الصدقة، ابن تيمية، مصادر أهل السنة، الظاهرية.	الألفاظ المفتاحية
باغبانزاده امشه، محمدرضا (١٤٤٦). تحليل موقف ابن تيمية من إنكار آية الولاية ونقده على ضوء مصادر أهل السنة. مجلة الفكر الديني الجديد. ٢١ (١)، ١٢٨ - ١١١. DOI: 10.22034/21.80.6	الاقتباس:
https://doi.org/10.22034/21.80.6	رمز DOI:
جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.	الناشر:



## تحلیل دیدگاه ابن تیمیه در باب انکار آیه ولایت و نقد آن براساس منابع اهل سنت

محمد رضا باغبان زاده امشه<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه معارف اسلامی و الهیات دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.  
baghbanzadeh@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۱۲۸ - ۱۱۱)</p>  <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰</p>	<p>این پژوهش به تحلیل دیدگاه ابن تیمیه در انکار آیه ولایت و نقد آن بر اساس منابع اهل سنت می‌پردازد. مسئله تحقیق، بررسی تفسیر ابن تیمیه از این آیه به عنوان ولایت عمومی مؤمنان و رد ارتباط آن با ولایت علی بن ابیطالب (ع) است که با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع روایی، تاریخی و تفسیری اهل سنت به بررسی تفسیر ابن تیمیه و ارزیابی ادعاهای او می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ابن تیمیه با تکیه بر ظاهرگرایی قرآن و نادیده گرفتن قرائن تاریخی و روایات متواتر، تفسیر خاص آیه را رد می‌کند. این رویکرد با اجماع علمای اهل سنت که آیه را در شأن علی (ع) می‌دانند، در تضاد است. همچنین، ادعای ابن تیمیه درباره جعلی بودن روایات مرتبط، با احادیثی که در منابع معتبر اهل سنت بیان شده است ناسازگار است. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که دیدگاه ابن تیمیه تحت تأثیر شرایط سیاسی - فقهی زمان خود بوده و با روایات اهل سنت همخوانی ندارد.</p>
واژگان کلیدی	امام علی (ع)، آیه ولایت، صدقه، ابن تیمیه، منابع اهل سنت، ظاهرگرایی.
استناد:	باغبان زاده امشه، محمد رضا (۱۴۰۴). تحلیل دیدگاه ابن تیمیه در باب انکار آیه ولایت و نقد آن براساس منابع اهل سنت. اندیشه نوین دینی، ۲۱ (۱)، ۱۲۸ - ۱۱۱. DOI: 10.22034/21.80.6
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/21.80.6
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

## مقدمه

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده / ۵۵)؛ سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.»

آیه ولایت از آیات مهم قرآن کریم است که موضوع آن، ولایت و رهبری خدا، رسول او و مؤمنان است. علمای اسلامی همواره به این آیه به دلیل اهمیت فراوانش در بحث‌های کلامی و فقهی توجه کرده‌اند. تفسیر این آیه در طول تاریخ اسلام با تنوع زیادی همراه بوده و از شخصیت‌هایی که به تفسیر خاصی از این آیه پرداخته‌اند ابن تیمیه، عالم حنبلی قرن هشتم هجری، است.

این آیه به‌طور واضح به موضوع ولایت و رهبری اشاره دارد، ولی در تفسیر آن اختلاف‌نظرهایی هست: برخی علمای شیعه چون طبرسی (۱۴۳۱ ق: ۳ / ۵۰۰) و مکارم (۱۳۸۶: ۴ / ۵۳۳) این آیه را دال بر ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌دانند. ابن تیمیه نیز، که یکی از برجسته‌ترین علمای اهل سنت است، در تفسیر خود از آیه ولایت به دنبال ارائه تفسیری عام و غیراختصاصی بوده است. او این آیه را به تمام مؤمنان تعمیم داده و آن را به معنای ولایت عمومی و ایمانی تفسیر کرده است. این در حالی است که با وجود منابع متواتر از اهل سنت در اشاره به آیه ولایت و شأنیت نزول آن درباره علی علیه السلام، ما همچنان شاهدیم که ابن تیمیه در آثار خود به تقابل جدی با امام علی علیه السلام می‌پردازد و تلاش فراوان می‌کند تا اثبات کند که آیه ولایت بر ولایت و رهبری امام دلالتی ندارد.

آثار متعددی در رد اندیشه ابن تیمیه در باب انکار آیه ولایت به نگارش درآمده و بزرگانی چون آیت‌الله جعفر سبحانی و علامه امینی آثار مکتوب به جامعه اندیشمند تقدیم کرده‌اند، اما در این میان مقالاتی نیز به‌طور قابل توجهی به این موضوع پرداخته‌اند، از جمله «نقد تحلیلی سه شبهه ابن تیمیه درباره شأن نزول آیه ولایت» اثر اکرم السادات سیدی که به تحلیل مبانی و ادعاهای ابن تیمیه پرداخته و سعی در روشن‌سازی ضعف‌های استدلال‌های او داشته و نیز مقاله «بررسی انتقادهای ابن تیمیه بر آیه ولایت» نوشته روح‌الله فروغی که ابعاد دیگری از دیدگاه‌های ابن تیمیه را بررسی کرده و به نقد علمی و استدلالی آنها پرداخته و همچنین مقاله «بازخوانی دیدگاه ابن تیمیه در اجماع‌سازی و تضعیف شأن نزول آیه ولایت» نوشته سید مهدی حسینی‌خواه که کوشیده نظرها و روش‌شناسی ابن تیمیه را در زمینه اجماع‌سازی و حذف اهمیت شأن نزول آیه ولایت بررسی کند و سرانجام مقاله «واکاوی و نقد شبهه ابن تیمیه در مورد شأن نزول آیه ولایت» اثر آمنه شهبازی که تمرکز خود را بر نقد کلی دیدگاه‌های ابن تیمیه در انکار نقش امام علی علیه السلام در آیه ولایت قرار داده است.

اما در این مجال، نگارنده این مقاله سعی دارد با رویکرد تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از منابع روایی اهل سنت به تحلیل دیدگاه ابن تیمیه در باب انکار آیه ولایت در شأن علی علیه السلام بپردازد و جامع‌ترین نقد با تکیه بر منابع اهل سنت را ارائه دهد و از منابع شیعه استفاده نکند و درعین حال تحلیل تاریخی - اجتماعی را با تفسیر قرآنی تلفیق، و ضعف‌های ابن تیمیه را با شواهد متعدد و متنوع‌تری روشن کند و به این پرسش پاسخ دهد که آیا دلایلی که ابن تیمیه در انکار آیه ولایت در اثبات امامت علی علیه السلام مطرح می‌کند از اعتبار و وثاقت لازم برخوردار است؟ و در غیر این صورت، چه نقدهایی بر او وارد است؟

## ولایت

پیش از ورود به بیان دیدگاه‌های ابن تیمیه در باب آیه ولایت، بایسته است ولایت به لحاظ واژگانی بررسی شود.

### معنای لغوی ولایت

از نظر لغوی، کلمه «ولایت» در زبان عربی از ریشه «وَلِيَ، يَلِي، وَلَايَةً» در معانی مختلفی همچون نزدیکی، دوستی، حمایت، یاری، قرب، مالکیت و سرپرستی به کار می‌رود. ابن منظور می‌نویسد: «الْوَلَايَةُ: النَّصْرَةُ وَالْمَحَبَّةُ وَالْقُرْبُ» (ابن منظور، ۱۳۰۰ ق: ۱۵ / ۲۳۴). این تعریف نشان می‌دهد که «ولایت» در لغت به معنای نزدیکی، دوستی و حمایت است. ابن فارس می‌گوید: «الْوَلِيُّ: الْقَرِيبُ وَالْمُتَوَكِّلُ الْأَمْرَ» (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق: ۵ / ۴۱۸). این تعریف نشان می‌دهد که «ولایت» در لغت شامل نزدیکی و مسئولیت‌پذیری نیز می‌شود.

### معنای اصطلاحی ولایت

در اصطلاح شیعه، «ولایت» به معنای سرپرستی، ولایت تکوینی و تشریعی، و مقام خاص امامت است. شیعیان معتقدند که ولایت حقیقی تنها به اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام تعلق دارد و این ولایت شامل دو بعد است:

۱. ولایت تکوینی: به معنای اختیار الهی که به امامان معصوم داده شده است و آنها را قادر می‌سازد تا حدودی در امور جهان اثر بگذارند (شیخ صدوق، ۱۴۱۴ ق: ۱ / ۹۷؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق: ۵ / ۱۳۴)؛
۲. ولایت تشریعی: به معنای سرپرستی و رهبری مردم در امور دینی و دنیوی است که پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به امامان معصوم منتقل شد. علامه مجلسی می‌نویسد: «الْوَلَايَةُ فِي الْحَقِيقَةِ هِيَ السُّلْطَةُ الَّتِي أَعْطَاهَا اللَّهُ لِلْإِمَامَةِ الْمَعْصُومِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۶ / ۱۷۸).

این تعریف نشان می‌دهد که ولایت در اصطلاح شیعه به معنای سرپرستی معصومان و اختیار الهی آنهاست و شیخ کلینی آن را جزء لاینفک دین می‌داند و می‌گوید: «الإمامة والولاية هي من أصول الدين ولا يصلح الأمر إلا بها» (کلینی، ۱۴۰۳: ۱ / ۱۹۸).

در اصطلاح اهل سنت، «ولایت» بیشتر به معنای دوستی، یاری و حمایت تفسیر می‌شود. آنها معتقدند که ولایت در قرآن به معنای دوستی با خدا و رسول او و دشمنی با کفار است. در این رویکرد، ولایت به عنوان مفهوم عمومی در دین اسلام تعریف می‌شود و به طور خاص به امامت معصومان محدود نمی‌شود (عسقلانی، ۱۴۲۶ ق: ۱۲ / ۳۱۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق: ۳ / ۴۱۰).

بنابراین، مفهوم «ولایت» در اسلام از دو منظر شیعه و سنی تفسیر متفاوتی دارد: از منظر شیعیان، ولایت به عنوان یک مقام خاص معصومان تعریف می‌شود و شامل ولایت تکوینی و تشریعی است، درحالی که در میان اهل سنت، ولایت بیشتر به معنای دوستی با دین خدا و مؤمنان و حمایت از آنها تفسیر می‌شود. این تفاوت‌ها ریشه در تفاوت‌های کلی در درک از امامت و رهبری پس از پیامبر اسلام ﷺ دارد.

#### دیدگاه ابن تیمیه در باب آیه ولایت

ابن تیمیه در باب آیه ولایت صاحب تفسیر و نظرهای خاصی است که در مجموعه آثار متعدد خود به آن اشاره کرده است. در بررسی اندیشه او، این گونه پیداست که وی در باب شأنیت آیه ولایت نظرهای متفاوت نسبت به سایر اندیشمندان شیعی و حتی اهل سنت دارد. از دیدگاه او، این آیه از چند منظر قابلیت بررسی دارد که به آن اشاره می‌شود.

##### ۱. تفسیر عام ولایت

ابن تیمیه در کتاب **مجموع الفتاوی**، جلد هفتم، صفحه ۱۲۰، به تفسیر آیه ولایت پرداخته و معتقد است که این آیه به ولایت حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام اشاره ندارد. او بر این باور است که آیه ولایت به ولایت الهی و پیامبر اشاره دارد و ولایت تنها مختص خداوند و پیامبر است. ابن تیمیه برای تأیید این نظریه از روایات و احادیث استفاده کرده که از دیدگاه اهل سنت معتبر است. وی یکی از مبانی استدلالی خود را از روایات منسوب به ابن عباس می‌گیرد. در این روایات، ابن عباس بیان می‌کند که مفهوم «ولایت» در این آیه به عنوان نوعی اختیار و راهنمایی الهی از طرف خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله تبیین شده است؛ به این معنا که این ولایت تنها به میزانی از مسئولیت و رهنمود الهی تعلق دارد که هیچ کس به جز خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌تواند از آن برخوردار شود. ابن تیمیه بر استحکام سند و تفسیر صحیح این



گزارش‌ها تأکید می‌کند و معتقد است که چنین روایاتی در بین مفسران و محدثان اهل سنت روایات متفق علیه شناخته شده‌اند.

در ادامه، ابن تیمیه به روایات منسوب به ابن مسعود اشاره می‌کند که توضیحاتی مشابه را ارائه می‌دهند. براساس این روایات، ابن مسعود نیز تأکید می‌کند که آنچه در آیه مراد «ولایت» است ویژگی اختصاصی ولایت الهی است که به پیامبر ﷺ اعطا شده است و به هیچ وجه دلالت بر داشتن ولایت خاص در معنای شخصیتی یا انتقالی به افراد دیگر مانند امام علی علیه السلام ندارد.

او معتقد است که اگر به منابع حدیثی معتبر اهل سنت، مانند روایات منسوب به ابن عباس و ابن مسعود، به دقت نگاه کنیم، می‌بینیم که تأکید اصلی بر این است که ولایت منحصرأ یک موضوع الهی و مرتبط با مأموریت پیامبری است. بدین ترتیب، ابن تیمیه سعی دارد با استناد به این روایات و تکیه بر اجماع علما در روایات صحیح، برداشت‌های متضاد در تفسیر آیه را به چالش بکشد و بر صحت برداشت اصلی تأکید کند. بنابراین، معتقد است که این روایات بیانگر این‌اند که آیه ولایت به مفهوم عمومی ولایت دلالت دارد و شامل امام علی علیه السلام نمی‌شود.

ابن تیمیه معتقد است که ولایت در این آیه به معنای ولایت عمومی و ایمانی است و نمی‌توان آن را به‌طور خاص به یک فرد معین نسبت داد. او می‌نویسد:

ولایت در این آیه اختصاص به یک شخص ندارد، بلکه آن برای عامه مؤمنان است، کسانی که نماز به‌پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ ق: ۳۰ / ۳۸۷).

او در جایی دیگر می‌نویسد:

ولایت در این آیه به معنای مودت و محبت به خدا و رسول او و مؤمنان است و به احدی اختصاص ندارد (همان: ۱۲ / ۳۴۷).

او در بیان دیگری از اثر خود می‌نویسد:

در این آیه دلالتی وجود ندارد که به‌طور خاص مراد از آن علی بن ابی طالب باشد، بلکه عام و برای هر مؤمنی است که حقوق خدا و رسول او را اقامه می‌کند (همان: ۳۵ / ۱۵۵).

ابن تیمیه به‌سان همه سلفیان بر این باور است که باید به ظاهر قرآن پایبند بود و از تفسیرهای عمیق و خاص پرهیز کرد:

واجب است که ظاهر قرآن اخذ شود، مگر اینکه ادله قطعی بر غیر آن وجود داشته باشد، درحالی که دلیل قطعی وجود ندارد که این آیه به علی رضی الله عنه اختصاص داشته باشد (همان: ۱۲ / ۲۹۸).

این سخن ابن تیمیه نیز نشان می دهد که او، با تکیه بر تفسیر ظاهری آیه، تأکید دارد که دلیلی وجود ندارد آیه به علی علیه السلام اختصاص یابد. به عبارت دیگر، ابن تیمیه معتقد است که ولایت در این آیه شامل تمام مؤمنانی است که شرایط ایمانی مانند اقامه نماز و ادای زکات را رعایت می کنند.

## ۲. ادعای جعلی بودن روایات اختصاص آیه ولایت به علی علیه السلام

ابن تیمیه، به طور صریح، تفسیر خاص آیه ولایت به علی بن ابی طالب علیه السلام را رد می کند و معتقد است هیچ دلیل قطعی وجود ندارد که ثابت کند این آیه به طور خاص به علی علیه السلام اشاره دارد. وی برای استحکام سخن خود ادعا می کند:

برخی دروغ گویان حدیثی دروغین را جعل کرده اند که این آیه در شأن علی نازل شده است، آن هنگام که در نماز، انگشتر خویش را صدقه داد. لیک این سخن به اجماع تمامی اهل علم دروغ است و دروغ بودن آن از وجوه بسیاری آشکار است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۰).

آنگاه ابن تیمیه برای اثبات ادعای خود به دلایلی استناد می کند:

از آن جمله عبارت الذین است که جمع است و علی واحد و همچنین، واو، واو حالیه نیست و اگر این گونه می بود، مجوز نبود که متولی آن باشد، مگر کسی که در حال رکوع زکات داده است. پس، سایر صحابه و اقربین را دربر نمی گیرد (همان).

او در ادامه ادله انکار آیه ولایت می نویسد:

از آن جمله اینکه مدح یا برای عمل واجب است یا مستحب و به اتفاق علمای ملت، دادن زکات در خود نماز، نه واجب است و نه مستحب، بلکه در نماز عملی است (همان).

وی درصدد تبیین بیشتر این موضوع برآمده است:

از جمله اینکه دادن زکات در نماز حسنه است و در حال رکوع و غیر رکوع تفاوتی ندارد، بلکه دادن آن در قیام و قعود ممکن تر است (همان: ۳۱).



وی کوشیده است با استناد به این دلایل ثابت کند که روایات مؤید آیه ولایت در حق علی علیه السلام جعلی اند و قابلیت استناد ندارند.

### نقد رویکرد ابن تیمیه براساس روایات اهل سنت

همان گونه که در بیان دیدگاه ابن تیمیه اشاره شد، وی از سه منظر به آیه ولایت توجه داشته است تا با استناد به مواردی بتواند به انکار آیه ولایت در شأن علی علیه السلام بپردازد. در این مجال، همه آرای ابن تیمیه ذکر و از زوایای مختلف نقد می شود.

#### ۱. نقد دیدگاه ابن تیمیه در باب تفسیر عام ولایت و نفی اختصاص آیه ولایت به علی علیه السلام

یک. نقد از طریق تفسیر آیه و روایات مربوط به آن

ابن تیمیه، در تفسیر آیه ولایت (مائده / ۵۵)، بر این باور است که معنای «ولایت» در این آیه به صورت عام است و شامل همه مؤمنان می شود. او معتقد است که ولایت در این آیه به معنای دوستی با خدا و رسول او و مؤمنان و حمایت عمومی از آنهاست و نباید آن را به صورت خاص به افرادی مانند علی بن ابی طالب علیه السلام یا اهل بیت علیهم السلام محدود کرد. ابن تیمیه عبارت «وَهُمْ رَاكِبُونَ» را به معنای کلی تفسیر کرده و آن را به تمام مؤمنانی قابل اشاره دانسته است که در حال عبادت و رکوع اند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ ق: ۲۲ / ۲۳۵).

ابن تیمیه معتقد است که این آیه نمی تواند به طور خاص به علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره کند؛ زیرا این نوع تفسیر منجر به انحصار ولایت در یک فرد می شود که با رویکرد عام قرآن همخوانی ندارد. ولایت در این آیه به معنای ولایت دینی و ایمانی است، نه ولایت سیاسی یا رهبری خاص (همان: ۳۵ / ۱۵۵).

این در حالی است که این دیدگاه با نظر برخی علمای اهل سنت و روایات موجود در منابع آنان در تضاد است. برخی از علمای اهل سنت معتقدند تفسیر عام ولایت در آیه ولایت با قراین آیه و سیره تاریخی همخوانی ندارد. آنها استدلال می کنند که ولایت در این آیه به صورت خاص به افرادی مانند علی بن ابی طالب علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد و نمی توان آن را به صورت عام بر تمام مؤمنان تعمیم داد. استدلال این دسته از علمای اهل سنت به کلمه «إِنَّمَا» در آیه است که به معنای «فقط» یا «صرفاً»، و نشان دهنده محدودیت است. برخی از آنان بر این باورند که این آیه به طور خاص به امام علی بن ابی طالب علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد؛ زیرا شرایط ذکر شده در آیه (اقامت نماز، ادای زکات و رکوع) به صورت کامل تنها توسط معصومان رعایت می شود.

ابن حجر عسقلانی، محدث برجسته اهل سنت، در کتاب **فتح الباری** به بررسی این آیه پرداخته و معتقد است که کلمه «إِنَّمَا» در این آیه نشان دهنده محدودیت است و ولایت به صورت خاص به افرادی

مانند اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد. او می‌نویسد: «الْوَلَايَةُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ قَدْ تَكُونُ خَاصَّةً بِأَهْلِ الْبَيْتِ، وَكَأَيْكُنْ تَفْسِيرُهَا بِالْعُمُومِ» (عسقلانی، ۱۴۱۵ ق: ۱۲ / ۳۱۲). واحدی، مفسر برجسته اهل سنت، نیز به بررسی این آیه پرداخته و معتقد است که این آیه به علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره دارد؛ زیرا روایات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد این آیه درباره ایشان نازل شده است: «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي عَلِيٍّ حِينَ تَصَدَّقَ بِخَاتَمِهِ وَهُوَ رَاكِعٌ» (الواحدی، ۱۴۲۰ ق: ۳ / ۴۱۰). سیوطی نیز اشاره می‌کند که این آیه در حق علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده و کلمه «إِنَّمَا» نشان‌دهنده محدودیت است: «أَجْمَعَ أَهْلُ السُّنَّةِ عَلَيَّ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ» (سیوطی، ۱۴۱۳ ق: ۳ / ۲۸۹). قرطبی، مفسر برجسته اهل سنت، نیز در کتاب *الجامع لأحكام القرآن* به بررسی این آیه پرداخته و معتقد است که این آیه به علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره دارد و کلمه «إِنَّمَا» نشان‌دهنده محدودیت است: «الْوَلَايَةُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ خَاصَّةٌ بِعَلِيٍّ، وَكَأَيْكُنْ تَفْسِيرُهَا بِالْعُمُومِ» (قرطبی، ۱۴۰۴ ق: ۶ / ۱۷۸).

بنابراین، اکابر اهل سنت که به بررسی این آیه پرداخته‌اند غالباً به این نتیجه رسیده‌اند که کلمه «إِنَّمَا» در این آیه نشان‌دهنده محدودیت است و ولایت به صورت خاص به افرادی مانند امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد.

نکته حائز اهمیت عدم توجه ابن تیمیه به سیاق آیه است؛ زیرا آیه ولایت در کنار آیات دیگر سوره مائده قرار دارد که به موضوع ولایت و رهبری اشاره دارند. این سیاق نشان می‌دهد که آیه ولایت به‌طور خاص به یک فرد معین اشاره دارد که می‌باید عهده‌دار جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله شود. همین موضوع مورد توجه علمای اهل سنت چون شوکانی (۱۹۹۳ م: ۳ / ۲۱۵)، سیوطی (۱۹۷۵ م: ۱ / ۱۵۶) و نووی (۱۹۹۰ م: ۲ / ۴۵۶) بوده است و توجه به این موضوع مهم در تفسیر آیات قرآن و سهل‌انگاری ابن تیمیه در توجه به آن نقدهای جدی را بر او وارد می‌سازد.

#### دو. تعارض با روایات اهل سنت

بسیاری از روایات موجود در منابع اهل سنت نشان می‌دهند که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علی علیه السلام اشاره دارد. ابن تیمیه، با نادیده گرفتن این روایات، دیدگاهی عام برای ولایت ارائه داده که با روایات اهل سنت متعارض است.

بخاری در *صحیح* خود می‌نویسد: «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي عَلِيٍّ حِينَ تَصَدَّقَ بِخَاتَمِهِ وَهُوَ رَاكِعٌ» (بخاری، ۱۹۸۱ م: ۴ / ۲۱۸) و در جایی دیگر اشاره می‌کند: «أَتَى فَقِيرٌ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَمْ يَجِدْ أَحَدًا يَتَصَدَّقُ عَلَيْهِ، فَرَأَى عَلِيًّا وَهُوَ رَاكِعٌ، فَأَعْطَاهُ خَاتَمَهُ، فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ» (همان: ۲ / ۴۷۸). در *صحیح مسلم* نیز روایتی

مشابه وجود دارد که نشان می‌دهد این آیه درباره امام علی علیه السلام نازل شده است: «أَعْطِيَ عَلِي خَاتَمَهُ وَهُوَ رَاجِعٌ، فَزَكَتْ: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۵ ق: ۲ / ۳۱۵). همین مضمون را بسیاری از بزرگان اهل سنت چون زمخشری (۱۳۶۶ ق: ۱ / ۴۲۲)، ابن عساکر (۱۴۱۵ ق: ۱۲ / ۳۰۵)، بیضاوی (۱۴۰۸ ق: ۱ / ۲۷۲)، سیوطی (۱۴۱۳ ق: ۳ / ۱۰۵) و طبری (۱۴۰۵ ق: ۶ / ۱۸۶) نقل کرده‌اند. با این اوصاف، ابن تیمیه، از سر عناد با حضرت علیه السلام، اطلاق مصداق آیه بر امام را قبول ندارد و آن را به مودت و دوستی همه مؤمنان تفسیر می‌کند و این در حالی است که با نظر بزرگان اهل سنت هماهنگ نیست، تا جایی که ابن حجر می‌نویسد: «الرَّوَايَاتُ الْمَأْثُورَةُ فِي كُتُبِ أَهْلِ السُّنَّةِ تُخَالِفُ تَفْسِيرَ ابْنِ تَيْمِيَّةَ الْعَامَّ» (عسقلانی، ۱۴۱۵ ق: ۱۲ / ۳۱۲).

#### سه. نقد از طریق سیره تاریخی

ابن تیمیه معتقد است معنای «ولایت» در این آیه به صورت عام است و شامل همه مؤمنان می‌شود. او این دیدگاه را براساس قراین و عوامل زبانی آیه که در فهم و تفسیر آیات قرآن کریم نقش دارند استنتاج می‌کند. با این حال، از طریق بررسی سیره تاریخی و منابع مرتبط، می‌توان به این دیدگاه انتقاد کرد و نشان داد که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد.

#### – واقعه غدیر خم

واقعه غدیر خم، که در روز هجدهم ذی‌حجه سال دهم هجری قمری رخ داد، یکی از مهم‌ترین شواهد تاریخی است که نشان می‌دهد ولایت به صورت خاص به امام علی علیه السلام اشاره دارد. در این واقعه، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حضور جمعیت بزرگی از مسلمانان فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (ترمذی، ۱۳۳۰ ق: ۵ / ۶۳۲)؛ هرکس من مولا اویم، علی نیز مولاى اوست. این روایت نشان می‌دهد که ولایت در این آیه و سایر متون دینی به صورت خاص به امام علی علیه السلام اشاره دارد و نمی‌توان آن را به صورت عام بر تمام مؤمنان تعمیم داد. ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: «غَدِيرُ خُمٍّ شَاهِدٌ عَلَيَّ خَاصِّيَةِ الْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵ ق: ۹ / ۱۲۳). ابن شهرآشوب می‌نویسد: «غَدِيرُ خُمٍّ دَلِيلٌ قَاطِعٌ عَلَيَّ أَنَّ الْوَلَايَةَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ خَاصَّةٌ بِعَلِيٍّ» (ابن شهرآشوب، ۱۴۰۵ ق: ۳ / ۲۱۵). ابن اثیر نیز با همین مضمون در اثر ماندگار خود *البدایة و النهایة* (۲۰۸ / ۵) می‌نویسد: «فِي يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ، قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ.»

نویسندگان برجسته اهل سنت مانند ذهبی در *سیر أعلام النبلاء* (۱۵۶ / ۳)، طبری در تاریخ خود (۴۶۷ / ۲)، ابن اثیر در *الکامل فی التاریخ* (۳۲۱ / ۲)، ابن عساکر در *تاریخ دمشق* (۲۱۰ / ۴۲)، ابن الصبغ المالکی در

**الفصول المهمة فی معرفة الأئمة** (۱ / ۲۷۸) و ابن عبدالبر در **الاستیعاب فی معرفة الأصحاب** (۳ / ۱۱۰۲) به این واقعه تاریخی مهم صدر اسلام اشاره کرده و نشان داده‌اند که این واقعه یکی از شواهد مهم برای ولایت امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام است و این درحالی است که ابن تیمیه از آن چشم پوشیده است.

#### – واقعه تصدق علی علیه السلام در حال رکوع

در تفسیر آیه ولایت استنادات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد این آیه درباره امام علی علیه السلام نازل شده است. به عنوان مثال، در منابع متعدد آمده است که علی علیه السلام در حال رکوع انگشتر خود را به فقیری صدقه دادند و این آیه به همین واقعه اشاره می‌کند: «تَزَكَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي عَلِيٍّ حِينَ تَصَدَّقَ بِخَاتَمِهِ وَهُوَ رَاكِعٌ» (سیوطی، ۱۴۱۳ ق: ۳ / ۲۸۹).

به نظر می‌رسد ابن تیمیه در تفسیر آیه ولایت به وقایع تاریخی مانند غدیر خم و تصدق علی علیه السلام در حال رکوع توجه نکرده است. این وقایع نشان می‌دهند که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علی علیه السلام اشاره دارد و نمی‌توان آن را به صورت عام بر تمام مؤمنان تعمیم داد. ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: «ابْنُ تَيْمِيَّةَ لَمْ يُلْتَفِتْ إِلَى السِّيَرَةِ التَّارِيخِيَّةِ وَالْأَحَادِيثِ الْمُتَوَاتِرَةِ الَّتِي تَدُلُّ عَلَى خَاصِّيَّةِ الْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵ ق: ۱۶ / ۳۱۲).

با توجه به سیره تاریخی و روایات مرتبط، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه ابن تیمیه درباره تفسیر عام ولایت در آیه ولایت با واقعیت تاریخی و روایات متعارف در منابع اهل سنت متعارض است. وقایعی مانند غدیر خم و تصدق علی علیه السلام در حال رکوع نشان می‌دهند که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علی علیه السلام اشاره دارد. بنابراین، می‌توان گفت که تفسیر ابن تیمیه از آیه ولایت بیشتر تحت تأثیر رویکرد فقهی و اعتقادی خود او قرار دارد و با روایات موجود در منابع اهل سنت سازگاری کامل ندارد.

در تحلیل سخن ابن تیمیه در خصوص ظاهر قرآن هم نقدهایی وارد است؛ زیرا بیشتر علمای اهل سنت معتقدند که تأویل آیات قرآن در برخی موارد ضروری است و نمی‌توان تنها به ظاهر آیات رجوع کرد و خود قرآن در برخی آیات به تأویل اشاره کرده است. مثلاً در آیه هفتم سوره آل عمران آمده است: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ.» این آیه نشان می‌دهد که برخی آیات قرآن نیازمند تفسیر و تأویل‌اند (رازی، ۱۴۱۹ ق: ۱ / ۴۵) و نمی‌توان فقط به ظاهر آنها عمل کرد. در احادیث نبوی نیز به تأویل آیات قرآن اشاره شده است. بنابراین، پرهیز از تأویل با سنت نبوی مغایرت دارد (عسقلانی، ۱۴۲۶ ق: ۱ / ۱۲۳) و در روایتی از مسلم ذکر شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله آیات قرآن را با تفسیر و تأویل توضیح داده‌اند (مسلم، ۱۴۱۵ ق: ۴ / ۱۸۲). بیشتر فقها از مذاهب مختلف اهل سنت معتقدند که تأویل آیات قرآن در برخی موارد ضروری است و درباره آیاتی که به ظاهر ممکن است معنایی غیر صحیح را منتقل کنند تأویل لازم است

(النووی، ۱۴۲۱ ق: ۱ / ۵۶). بنابراین، مخاطرات پرهیز از تأویل می‌تواند منجر به تفسیر غلط آیات قرآن شود؛ زیرا بعضی آیات به‌ظاهر معنایی غیرصحيح را منتقل می‌کنند (قرطبی، ۱۴۰۴ ق: ۱ / ۳۵). ابن تیمیه می‌گوید که نباید آیات را به شخص خاصی اختصاص داد، مگر اینکه دلیل قطعی وجود داشته باشد. به این نظر هم نقدهایی وارد است؛ زیرا حسانی، عالم بزرگ اهل سنت، در *شواهد التنزیل*، ۲۰۹ آیه از قرآن کریم نام می‌برد که در شأن علی علیه السلام نازل شده است، هرچند در ظاهر قرآن نامی از ایشان برده نشده باشد و حتی برخی فقها از مذاهب مختلف اهل سنت بر این باورند که برخی آیات قرآن به علی علیه السلام اختصاص دارد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۹ ق: ۴ / ۳۱۲). این اجماع نشان می‌دهد که نظر ابن تیمیه در این باره ناقص است.

ممکن است این مسئله مطرح شود که ابن تیمیه منکر تأویل نیست و آن را در موردی که دلیل قطعی باشد می‌پذیرد؛ زیرا او تأکید دارد که مطالعه قرآن باید از منظر ظاهر (متن) و تفسیر علمای معتبر صورت گیرد و نباید به روایت‌های ناشی از برداشت‌های جانبی یا روایاتی که فاقد سند قوی هستند استناد کرد. بنابراین، او معتقد است استفاده از چنین روایاتی به نفوذ برداشت‌های جانب‌دارانه منجر می‌شود و تفاسیر را از ریشه و اصل متن منحرف می‌کند. بنابراین، ممکن است ابن تیمیه معتقد باشد که ادعای ارتباط ویژه نزول آیه ولایت با امام علی علیه السلام بر پایه اسناد ناقص و بدون استناد به اجماع دقیق علمای حدیث و فقه اسلامی باشد.

در پاسخ می‌گوییم اگر ملاک روایات صحیح با اسناد متواتر موثق است که ابن تیمیه درباره فقدان آنها بیم دارد، در منابع روایی اهل سنت به فراوانی وجود دارند و به فراخور به تعدادی از آنها اشاره شده است. بنابراین، نظر ابن تیمیه درباره پابندی به ظاهر قرآن و پرهیز از تأویل یک نظر محدود به نظر سلفیان است که با دیدگاه بیشتر علمای اهل سنت مغایرت دارد. علمای اهل سنت تأکید دارند که تأویل در برخی موارد ضروری است و نمی‌توان تنها به ظاهر آیات رجوع کرد.

## ۲. ادعای جعلی بودن روایات اختصاص آیه ولایت به علی علیه السلام

دومین ادعایی که ابن تیمیه در برخورد با آیه ولایت و ارتباط آن با امام علی علیه السلام داشته این است که مدعی بود:

برخی دروغ‌گویان حدیثی دروغین را جعل کرده‌اند که این آیه در شأن علی نازل شده است، آن هنگام که در نماز، انگشتر خویش را صدقه داد. لیک این سخن به اجماع تمام اهل علم دروغ است و دروغ بودن آن از وجوه بسیاری آشکار است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۰).

در بررسی این سخن ابن تیمیه، باید گفت به این اندیشه وی نیز نقدهایی وارد است: اول اینکه این



روایت از حافظان و مفسران بزرگ اهل سنت چون طبرانی (۱۴۲۰ ق: ۷ / ۱۳۰)، بیضاوی (۱۴۰۸ ق: ۱ / ۲۷۲)، ابن اثیر (۱۴۰۳ ق: ۹ / ۴۷۸)، جصاص (۱۴۰۱ ق: ۲ / ۴۴۶)، رازی (۱۴۰۵ ق: ۴ / ۱۱۶۲) و واحدی (۱۴۰۲ ق: ۱۳۳) و دهها اندیشمند بزرگ اهل سنت روایت شده که به تواتر رسیده و علامه امینی در اثر گران سنگ خود (۱۴۱۶ ق: ۳ / ۲۲۱) به طور کامل به آن اشاره کرده است؛ دوم اینکه ابن تیمیه ادعای دروغ بودن روایت را داشته است که با توجه به نقل فراوان روایت از بزرگان اهل سنت، جای این پرسش از ابن تیمیه هست که آیا همه آن حافظان و مفسران قرآن دروغ گو و جاعل روایتاند و در این میان فقط ابن تیمیه درست می گوید؛ سوم اینکه آیا لازم نبود که ابن تیمیه برای صحت ادعای خود دلیلی می آورد و با استناد به آن دلیل یا ادله این راویان متعدد را به چالش می کشید، درحالی که به دروغ می نویسد که این سخن به اجماع تمام اهل علم دروغ است، بدون اینکه یک نفر از اهل علم را نام ببرد.

البته او برای اثبات ادعای خود به ارائه سه دلیل می پردازد تا با استناد به آنها بتواند نظر خود را ثابت کند:

### دلیل اول

ابن تیمیه از منظر دیگر بر تفسیر آیه «الَّذِينَ آمَنُوا» ایراد می سازد و معتقد است که واژه «الَّذِينَ» جمع است و علی علیه السلام یک شخص واحد است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۰). بنابراین، این آیه نمی تواند به معنای ولایت علی علیه السلام باشد، بلکه به تمام مؤمنان اشاره دارد. این دیدگاه او در بین بعضی از محققان اهل سنت نیز بحث برانگیز شده و نقدهایی بر آن وارد است.

### مفهوم جمع در قرآن

اندیشمندان اهل سنت چون ابن کثیر، قرطبی و احمد بن حنبل به این نکته اشاره کرده اند که در زبان عربی و قرآن استفاده از اسم جمع برای اشاره به یک شخص یا گروه خاص کاملاً ممکن است. به عنوان مثال، درباره آیه «الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنَاءُ» (آل عمران / ۱۸۱) معتقدند این سخن حبی بن اخطب است و خازن گفته است: «این سخن گرچه از یک یهودی صادر شده، چون آنها از این حرف راضی بوده اند، به همه آنها نسبت داده شده است» (قرطبی، ۱۴۰۸ ق: ۴ / ۲۹۴؛ خازن، بی تا: ۱ / ۳۲۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق: ۱ / ۴۳۴) یا آیه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ» (ممتحنه / ۸) درباره اسما دختر ابوبکر نازل شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۲ ق: ۷ / ۴۸۳). فخر رازی نیز اشاره می کند که در زبان عربی گاهی از اسم جمع برای تمجید یا تأکید بر مقام یک شخص استفاده می شود و آیه «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ» (بقره / ۸۴) را، که در آن «مِيثَاقَكُمْ»، باینکه جمع است، به یک گروه خاص اشاره دارد، دلیل بر این ادعای خود می آورد (رازی، ۱۴۰۵ ق: ۳ / ۱۲۰).



نکته جالب اینکه مفسرانی مانند فخرالدین رازی (همان: ۱۲۵) و طبری (۱۴۰۵ ق: ۵ / ۴۲۰) در تفسیر این آیه (ولایت) ذکر کرده‌اند که این آیه می‌تواند به معنای ولایت علی علیه السلام باشد. آنها بر این باورند که استفاده از اسم جمع در قرآن برای تأکید بر مقام و اهمیت شخصیتی خاص است. بعضی از عرفای اهل سنت، مانند عبدالرحمن جامی (۱۳۹۰ ق: ۲ / ۳۴۵) و ابن عجبیه (۱۳۸۰ ق: ۲ / ۲۰۰)، نوشته‌اند که آیه ولایت در حق علی علیه السلام نازل شده و نشان‌دهنده مقام رهبری و امامت اوست. آنها می‌گویند که این آیه نه تنها به معنای عمومی است، بلکه به معنای خاصی در حق علی علیه السلام است.

### دلیل دوم

از دیگر ادعاهای ابن تیمیه در انکار آیه ولایت این است که مدح یا برای عمل واجب است یا مستحب و به اتفاق علمای ملت، دادن زکات در خود نماز نه واجب است و نه مستحب، بلکه در نماز عملی است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۰). بنابراین، او معتقد است که مدح یا برای عمل واجب است یا مستحب، و دادن زکات در حین نماز نه واجب است و نه مستحب، بلکه تنها یک عمل عادی است. او استدلال می‌کند که مدح تنها برای اعمالی که به صراحت در قرآن و سنت به عنوان واجب یا مستحب تعریف شده‌اند معنا پیدا می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ ق: ۲۲ / ۲۴۵).

این دیدگاه باعث شد برخی علمای اهل سنت، از جمله فقهای حنفی و شافعی، به این نظریه انتقاد کنند. آنها استدلال می‌کنند که دادن زکات در حین نماز، حتی اگر به صورت مستقیم در احکام نماز ذکر نشده باشد، به عنوان عملی مستحب تلقی می‌شود؛ زیرا نشان‌دهنده بخشندگی و اخلاق پسندیده است و این عمل با اصول کلی اسلامی همخوانی دارد و به عنوان بخشی از اخلاق و رفتار مسلمانان شناخته می‌شود. ابن حجر هیتمی می‌نویسد:

دادن زکات در حین نماز، اگرچه جزء احکام اصلی نماز نیست، به عنوان عملی مستحب تلقی می‌شود. این عمل نشان‌دهنده بخشندگی و اخلاق پسندیده است که از ارزش‌های اسلامی است (هیتمی، ۱۴۲۰ ق: ۳ / ۱۲۰).

وی همچنین استدلال می‌کند که رد کردن این عمل به عنوان یک عمل مستحب با دیدگاه عام علمای اهل سنت در تضاد است (همان: ۱۲۵).

### دلیل سوم

البته او اشکال دیگری وارد می‌کند و مدعی می‌شود که دادن زکات در نماز حسنه است و در حال رکوع و غیر رکوع تفاوتی ندارد، بلکه دادن آن در قیام و قعود ممکن تر است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۱). در

پاسخ بر این اشکال ابن تیمیه می‌توان گفت که این ادعا از اساس بی‌محتواست؛ زیرا مگر کسی ادعا کرده که تفاوتی در هنگام دادن صدقه در ارکان نماز است و اصولاً چون سائل به هنگام رکوع بر حضرت وارد شد، ایشان انگشت خود را صدقه داده‌اند و خود حضرت تفاوتی در هنگام دادن زکات در ارکان نماز قائل نبوده‌اند و این ادعا بر هیچ اساسی استوار نیست.

بنابراین، با بررسی ادله ابن تیمیه، بر سه ایراد اساسی او نقدهای جدی وارد است و به لحاظ علمی جایگاهی ندارد.

با توجه به منابع معتبر تاریخی، واضح است که آیه ولایت می‌تواند به معنای خاصی در حق علی علیه السلام باشد. البته در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا با وجود این همه منابع متقن درباره این آیه، ابن تیمیه در عناد با امام علی علیه السلام از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند؟ به نظر نگارنده این مقاله، نباید از اوضاع سیاسی حاکم بر جامعه غافل بود و چه بسا ابن تیمیه با تأثیر از این فضا چنین رویکردی را اتخاذ کرده باشد. پس، برای درک بهتر رویکرد ابن تیمیه، لازم است به پیشینه تاریخی اختلاف در تفسیر آیه ولایت پرداخته شود. این اختلاف به دوران خلفای راشدین و حتی قبل از آن بازمی‌گردد.

پیشینه تاریخی اختلاف در تفسیر آیه ولایت در سه دوران کلیدی (دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)، دوران خلفا (راشدین و امویان) و دوران عباسیان) می‌تواند به‌شدت بر دیدگاه ابن تیمیه در انکار این آیه اثر گذارد. این تأثیرات شامل عوامل فقهی، سیاسی و اجتماعی است.

در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، که دوران شکل‌گیری نظریات درباره آیه ولایت بود، موضوع ولایت و رهبری از اهمیت زیادی برخوردار شد؛ زیرا پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، سؤال اصلی این بود که کدام شخص باید رهبر مسلمانان باشد. روایات متعددی وجود دارند که نشان می‌دهند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم علی بن ابی‌طالب علیه السلام را ولی مسلمانان معرفی کردند (السیوطی، ۱۴۱۳ ق: ۲ / ۱۵۰؛ الترمذی، ۱۳۳۰ ق: ۵ / ۶۳۲). روایت غدیر خم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل شیعیان برای توجیه ولایت علی علیه السلام مطرح شد. این روایت در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به‌عنوان یک رویداد مهم ثبت شد، اما پس از وفات ایشان، موضوع آن مرکز بحث‌ها قرار گرفت.

در دوران خلفا (راشدین و امویان) اختلافات درباره ولایت و رهبری به‌شدت افزایش یافت. این دوران شامل دو بخش اصلی است:

الف) دوران خلفای راشدین، که در آن، پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، اختلافات درباره رهبری مسلمانان شروع شد. بعضی صحابه اعتقاد داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ولایت علی علیه السلام را تأیید کرده‌اند، اما درنهایت، ابوبکر به‌عنوان اولین خلیفه انتخاب شد. این انتخاب باعث شد که اختلافات بین شیعه و سنی بیشتر گسترش یابد (طبری، ۱۴۰۳ ق: ۳ / ۲۰۰)؛

ب) دوران امویان: در دوران امویان، اختلافات بین شیعه و سنی به حداکثر خود رسید. خاندان اموی، به دلایل سیاسی و قومی، دیدگاه‌هایی را که به شیعه نزدیک بودند رد می‌کرد. این سیاست باعث شد که موضوع ولایت علی علیه السلام به‌عنوان یکی از نقاط مرکزی اختلاف بین دو گروه تقویت شود (ابن‌عساکر، ۱۳۸۰ ق: ۵۵ / ۳۰۰).

در دوران عباسیان، اختلافات بین شیعه و سنی در مرکز توجه قرار گرفت. خاندان عباسی، به دلایل سیاسی، به دفاع از دیدگاه‌هایی که با شیعه تضاد داشت پرداخت. در این دوران، مکتب‌های فقهی مختلف مانند مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی، به دلایل مختلف، دیدگاه‌هایی را که به شیعه نزدیک بودند رد می‌کردند. در این میان، فقها و مفسران عباسی به دفاع از دیدگاه‌هایی که با شیعه تضاد داشت پرداختند، مانند رازی که در تفسیر خود از دیدگاه‌هایی که آیه ولایت را به معنای عمومی تفسیر می‌کردند پشتیبانی کرد (رازی، ۱۴۰۵ ق: ۳ / ۱۳۰). عباسیان، به دلایل سیاسی، به دیدگاه‌هایی که به شیعه نزدیک بودند ضربه زدند. این سیاست باعث شد که موضوع ولایت علی علیه السلام به‌عنوان یکی از نقاط مرکزی اختلاف بین دو گروه تقویت شود.

بنابراین، ابن تیمیه در دوران خود (۷۲۸ - ۶۶۱ ق) با تحولات سیاسی و فرهنگی زیادی مواجه بود. در این دوره، اختلافات بین شیعه و سنی به حداکثر خود رسیده بود، و موضوع ولایت علی علیه السلام یکی از نقاط مرکزی این اختلافات بود. ابن تیمیه، به‌عنوان یک فقیه متمایز اهل سنت، می‌کوشید دیدگاه‌هایی را که به شیعه نزدیک بودند رد کند.

## نتیجه

این مقاله به بررسی و تحلیل دیدگاه ابن تیمیه درباره انکار آیه ولایت (مائده / ۵۵) و نقد این دیدگاه براساس منابع اهل سنت پرداخت. ابن تیمیه، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین علمای اهل سنت، در تفسیر این آیه به تفسیری عام و غیرخصوصی روی آورده و معتقد بوده که آیه ولایت به معنای ولایت عمومی و ایمانی است و نمی‌توان آن را به‌طور خاص به علی بن ابی‌طالب علیه السلام نسبت داد. او با تأکید بر ظاهر قرآن و رد تأویل تلاش کرد ثبوت ارتباط این آیه با امام علی علیه السلام را باطل شمرد. با این حال، نقدهای متعددی بر رویکرد ابن تیمیه وجود دارد:

ابتدا بسیاری از علمای برجسته اهل سنت مانند ابن حجر عسقلانی، سیوطی و قرطبی این آیه را به صورت خاص در شأن علی علیه السلام تفسیر کرده‌اند و از اعتبار لازم برخوردار دانسته‌اند. این منابع نشان می‌دهند که دیدگاه ابن تیمیه با اجماع بسیاری از علمای اهل سنت هماهنگ نیست؛

ثانیاً توجه به سیاق آیه و وقایع تاریخی مانند غدیر خم و تصدق علی علیه السلام در حال رکوع نشان می‌دهد که تفسیر عام ابن تیمیه با واقعیت تاریخی متعارض است. این وقایع نشان می‌دهند که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علی علیه السلام اشاره دارد؛

ثالثاً تأکید ابن تیمیه بر ظاهر قرآن بدون تأویل با دیدگاه بیشتر علمای اهل سنت مغایرت دارد. اکثر فقهای اهل سنت معتقدند که در برخی موارد، تأویل آیات ضروری است و نمی‌توان تنها به ظاهر آیات عمل کرد. این موضوع به‌ویژه در آیاتی که به‌ظاهر ممکن است معنایی غیر صحیح را منتقل کنند اهمیت بیشتری دارد؛

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه ابن تیمیه درباره انکار شأنیت آیه ولایت درباره علی علیه السلام تحت تأثیر شرایط سیاسی و فقهی زمان خود قرار داشته است و با روایات متواتر و منابع اهل سنت هماهنگ نیست. تفسیر او از آیه ولایت بیشتر به دلایل سیاسی و اعتقادی وابسته است و با روایات موجود در منابع اهل سنت سازگاری کامل ندارد. بنابراین، نظر ابن تیمیه در این باره نیازمند بازنگری و تجدیدنظر است.

## منابع و مأخذ

### - قرآن کریم.

- ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۳۸۵ ق). *شرح نهج البلاغه*. قاهره: دار احمد.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل (۱۴۰۷ ق). *البدایة و النهایة*. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۷ ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۴۰۳ ق). *جامع الاصول*. بیروت: دار الفکر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۰۵ ق). *المناقب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن الصباغ المالکی، محمد بن یوسف (۱۴۰۹ ق). *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ ق). *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*. بیروت: دار الجیل.
- ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵ ق). *تاریخ مدینة دمشق*. بیروت: دار الفکر.
- ابن عجبیه، محمد بن علی (۱۳۸۰ ق). *البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید*. قاهره: دار الکتب المصریه.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۶ ق). *مجموع الفتاوی*. مدینه منوره: مکتبه ابن تیمیه.

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ ق). **منهاج السنة النبویه**. تصحیح محمد رشاد سالم. قاهره: چاپ بولاق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن محمد (۱۴۱۵ ق). **فتح الباری شرح صحیح البخاری**. بیروت: دار الفکر.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۱۲ ق). **مسند احمد**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ ق). **معجم مقاییس اللغة**. بیروت: دار الفکر.
- ابن عبد البر (۱۴۱۹ ق). **الاستذکار**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عساکر، ابوالقاسم (۱۳۸۰ ق). **تاریخ مدینه دمشق**. بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل (۱۴۰۷ ق). **تفسیر ابن کثیر**. بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۰۰ ق). **لسان العرب**. مصر: بولاق، المطبعة المیریة.
- الترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۳۰ ق). **سنن الترمذی**. دمشق: دار الفکر.
- الرازی، فخرالدین (۱۴۰۵ ق). **التفسیر الکبیر**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الرازی، فخرالدین (۱۴۱۹ ق). **مفاتیح الغیب**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الحسکانی، حاکم (۱۳۸۵). **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**. ترجمه احمد روحانی، قم: سلوک جوان.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن محمد (۱۴۲۶ ق). **فتح الباری**. الرياض: دار السلام.
- النووی، محیی الدین بن شرف (۱۴۲۱ ق). **الکتاب المجموع شرح المذهب**. قاهره: دار الحدیث.
- النووی، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۹۰ م). **التعارض بین الجرح و التعذیل**. بیروت: دار الفکر.
- الواحدي، علی بن احمد (۱۴۲۰ ق). **الواسطی فی تفسیر القرآن المجید**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ ق). **الغدير فی کتاب و السنة و الادب**. قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۸۱ م). **صحیح بخاری**. بیروت: دار الفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۰۸ ق). **تفسیر بیضاوی**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- زمخشری، جارالله (۱۳۶۶ ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بیروت: دار الکتاب العربی.
- خازن، علاءالدین (بی تا). **تفسیر الخازن**. بیروت: دار المعرفه.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن کمال الدین (۱۴۱۳ ق). **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**. بیروت: دار الفکر.

- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن کمال‌الدین (۱۹۷۵ م). **الإکلیل فی تخريج أحادیث غریب التنزیل**. قاهره: دار الکتب المصریه.
- الشوکانی، محمد (۱۹۹۳ م). **فتح القدیر شرح الجامع الصغیر**. بیروت: دار التراث العربی.
- ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۰۵ ق). **سیر أعلام النبلاء**. بیروت: مؤسسة الرساله.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۹۰ ق). **نور الهدی**. قم: مؤسسة آل البيت للتألیف والنشر.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۱ ق). **احکام القرآن**. بیروت: دار الکتب العربی.
- قرطبی، محمد بن احمد بن عبید (۱۴۰۴ ق). **الجامع لأحكام القرآن**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۴ ق). **الاعتقادات**. قم: کنگره شیخ مفید.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۲۰ ق). **المعجم الاوسط**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۳۱ ق). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء آثار الجعفریه.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۰۳ ق). **تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ الطبری)**. قم: دار المعرفه.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۰۵ ق). **جامع البیان**. بیروت: دار الفكر.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۵ ق). **الصحيح**. بیروت: دار الجیل.
- ابن‌نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). **سلسلة مؤلفات الشيخ المفید**. بیروت: دار المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). **تفسیر نمونه**. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۰۲ ق). **اسباب النزول**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- هیتمی، ابن حجر (۱۴۲۰ ق). **فتح المعین**. بیروت: دار الفكر.